روزنامه شرق

دوشنبه ۱۳ مرداد ۱۴۰۴
۱۰ صفر ۱۴۴۷
۴ آگوست ۲۰۲۵
سال بیست‌ویکم
شماره ۵۱۷۳
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

با حضور تعدادی از اهالی ورزش و فوتبال انجام شد

بدرقه داریوش مصطفوی به سمت خانه ابدی

۹

در «شرق» امروز می‌خوانید: کمپ ۷؛ فصل هفتم منشور سازمان ملل و سرنوشت کشورها؛ آیا ایران دوباره بازمی‌گردد؟ • سودان؛ سرزمین جنگ و فراموشی • چشمان بازبسته / مهرزاد دانش

واگذاری چند ملک شهرداری به هیئتی خاص بدون مصوبه شورا

بحران شفافیت در واگذاری املاک

نورا حسینی: در حالی که شورای شهر تهران بارها نسبت به روند پرابهام واگذاری املاک عمومی هشدار داده بود، افشای موردی جدید از واگذاری ملک به هیئتی موسوم به «محبان‌الرضا» بدون رعایت ضوابط قانونی، بار دیگر لزوم شفافیت واگذاری املاک فرهنگی و اجتماعی شهر تهران را یادآوری کرد. رئیس کمیسیون نظارت شورا از احتمال کلیدخوردن تحقیق و تفحص خبر داده و اعضای دیگر شورا نیز خواستار اجرای کامل آیین‌نامه‌های مصوب پیشین شدند. مسئله واگذاری املاک شهرداری تهران، اگرچه از گذشته همواره محل مناقشه بوده، اما این بار ماجرا ابعاد جدی‌تری یافته است. در شرایطی که بخش زیادی از املاک فرهنگی و اجتماعی شهرداری در بلاتکلیفی و تعطیلی به سر می‌برند، برخی گزارش‌ها حکایت از تخصیص املاک شهری به هیئت مذهبی‌ای دارند که نه شفافیت حقوقی دارد و نه فرایند مصوب شورا را طی کرده است. روز گذشته در صحن علنی شورای شهر، مهدی اقراریان، رئیس کمیسیون نظارت شورای شهر تهران، با انتقاد از روند واگذاری بی‌ضابطه برخی ساختمان‌های شهرداری به هیئت مذهبی‌ای تحت عنوان «محبان‌الرضا»، نسبت به تکرار چنین اقداماتی هشدار داد و اعلام کرد: اگر این روند ادامه یابد، تحقیق و تفحص از عملکرد شهرداری را آغاز خواهم کرد. او خواستار رعایت کامل مسیرهای قانونی و تصویب در صحن شورا برای هرگونه واگذاری املاک عمومی شد. او با اشاره به مشاهده شخصی خود در مسیر حرکت به شورا، از تغییر تابلو و کاربری یکی از املاک شهرداری در منطقه ۸ به نام هیئت مذهبی خبر داد و گفت: در مسیر شورا حرکت می‌کردم، مشاهده کردم تابلوی یکی از ساختمان‌های متعلق به شهرداری تغییر کرده و تحت عنوان هیئت‌الرضا فعالیت می‌کند. با شهردار منطقه تماس گرفتم، گفتند این ملک به هیئت مذکور واگذار شده است، این واگذاری‌ها بدون مصوبه شورا و خارج از روال قانونی انجام شده و به هیچ عنوان پذیرفتنی نیست..

گزارش تیتر یک را در صفحه ۶ بخوانید

در دیدارهای رسمی مسعود پزشکیان با مقامات پاکستان تأکید شد

توسعه روابط راهبردی و امنیت مرزی

این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید. عکس: AFP

یک سال از وعده مسعود پزشکیان برای دسترسی به اینترنت آزاد و بدون محدودیت گذشت

آزادی اینترنت، معطل وفاق

صفحه ۷

سرمقاله

جدال گفتمانی بر سر کم‌آبی

حمزه نوذری
جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

کم‌آبی و بی‌آبی امروز به یک بحران بزرگ برای جامعه ایران تبدیل شده است. این بحران یک واقعیت عینی و ملموس است، اما مسئله این است که چگونه گروه‌های مختلف جامعه این بحران را معنا می‌کنند. علاوه بر این، هر معنابخشی، راهبرد اجرائی متفاوتی برای نحوه مواجهه و حل بحران پیش‌روی می‌گذارد. گروهی از افراد بحران کم‌آبی را به خاطر گناهان آدمیان می‌دانند. از منظر این گفتمان، بحران کم‌آبی و بی‌آبی نشان‌دهنده قهر و غضب خداوند به دلیل معصیت افراد است. در روزهای اخیر این روایت در رسانه‌ها بازنشر شد که بی‌حجابی در جامعه باعث کم‌بارشی و کم‌آبی شده است. در این گفتمان، افراد و جامعه گناهکار عامل چنین بحرانی هستند. راه‌حل این گفتمان، ترک گناه و معصیت و طلب عفو و بخشش از خداوند است. گروهی دیگر تغییرات اقلیمی در جهان و ایران را عامل بحران آب می‌دانند. در این گفتمان، گرم‌شدن کره زمین به دلیل استفاده بی‌رویه از سوخت‌های فسیلی و توسعه و صنعتی‌سازی بدون رعایت استانداردهای محیط‌زیستی عامل این بحران است. راه‌حل این گفتمان کاهش گازهای گلخانه‌ای و استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر است. گروهی دیگر بحران را در مدیریت و حمکرانی نادرست آب می‌دانند. براساس این گفتمان، میزان آب‌های سطحی و تجدیدپذیر ایران بسیار بیشتر از برخی کشورهای منطقه است و نباید به چنین بحرانی دچار می‌شدیم؛ مسئله در مدیران ناکارآمد و دولت‌های ضعیف و فساد در سیستم اداری است. برخی سوژه‌های این گفتمان از مافیای آب سخن می‌گویند. این گفتمان بحران آب را سیاسی می‌داند و راه‌حل را نیز سیاسی در نظر می‌گیرد؛ راه‌حل تغییر در سیاست‌گذاری و سیستم انتخاب مدیران است.

ادامه در صفحه ۵

یادداشت

در نکوهش چندصدایی

غلامرضا نظربلند
تحلیلگر

عنوان این یادداشت (در نکوهش چندصدایی)، در نگاه نخست شاید حتی شوکه‌کننده باشد، زیرا اصولا واژه چندصدایی گوش‌نواز بوده و نوعا افاده معنا و مفهومی مثبت می‌کند و از وجود دیدگاه‌ها و نظرات مختلف راجع به موضوعی واحد بین مردم و شنیده‌شدن صداهای گوناگون برخاسته از آن نظرات و دیدگاه‌ها و وزن‌دهی به هرکدام براساس معیارهای دموکراتیک و... خبر می‌دهد.

چندصدایی مدنظر این یادداشت با چندصدایی پیش‌گفته فقط در نوشتن یکی است، چراکه در بافتار مورد نظر نه‌تنها پسندیده نیست که حتی نکوهیده هم هست. بین این دو گونه چندصدایی، به قول منطقیون، رابطه تباین (از نسب اربعه) برقرار است.

چندصدایی تا وقتی که در حوزه اندیشه‌ورزی و تضارب افکار موضوعیت دارد، کاملا وارد، جایز، فرخنده و نیکوست، اما وقتی پای عمل و اجرا به میان می‌آید و به قولی به نقطه سر سطر می‌رسد، می‌تواند موجب ازبین‌رفتن وحدت رویه و مدیریت و ایجاد تشتت آرا و سوءتفاهم برای جامعه مخاطب شود و بار حیثیتی، مالی و از همه مهم‌تر، حقوقی (به‌ویژه در عرصه بین‌المللی که دیگر صرفا مدعی احتمالی داخلی در کار نیست، که پای دولت‌های خارجی و نهادها و سازمان‌های بین‌المللی نیز می‌تواند به میان آید) پیدا کند. در آن موقع، این سیاست رسمی و مقامات مسئول هستند که باید پاسخ‌گو باشند و چه بسا مجبور شوند که از جیب مردم هزینه‌هایی را پرداخت کنند، حال آنکه طرح‌دهندگان و توییت‌زن‌ها و ستون‌نویس‌ها مورد بازخواست و حتی پرسشگری واقع نمی‌شوند. در همین چند روز اخیر، چندصدایی مخرب وقت و انرژی زیادی از کشور گرفت تا جایی که معاون پارلمانی رئیس‌جمهور به حق فریاد برآورد که آی ایها الناس یک بنده خدایی سخنگوی رسمی امور پارلمانی دولت است.

ادامه در صفحه ۱۱

یک قاب تجربه

ضرورت بازتولید قدرت ملی

جلیل سازگارنژاد

قدرت ملی را می‌توان قدرت و توانایی یک ملت یا کشور برای دستیابی به اهداف و آرمان‌های خود تعریف کرد که از عوامل گوناگونی مانند جغرافیای سرزمینی، منابع و ذخایر طبیعی، جمعیت، میراث فرهنگی و تمدنی، توانایی‌های اقتصادی و اجتماعی، قدرت نظامی، کیفیت دیپلماسی و شخصیت جهانی و بین‌المللی و نفوذ رسانه‌ای و خبری در جهان، چگونگی مدیریت نظام سیاسی و رابطه مردم با حکومت و... سرچشمه می‌گیرد. در میان عوامل یادشده، ایران از چند شاخص و عامل مهم و برجسته که می‌تواند به بازتولید قدرت ملی در کوتاه‌ترین زمان ممکن و عالی‌ترین سطح دست یابد برخوردار است. قدمت تاریخی و موقعیت یگانه و یکتای سرزمینی و ژئوپلیتیکی که در همسایگی سه تمدن کهن و تلاقی دو تمدن بزرگ شرق و غرب (چین و روم) قرار گرفته و از طریق دریا به آب‌های آزاد و کل جهان دسترسی دارد و منابع و ذخایر و معادن بسیار و اقلیمی مرغوب را در خود جای داده و از تمدن و فرهنگی غنی و پویا بهره‌مند بوده و بیش از سه هزار سال از آن مراقبت کرده و نام‌آورانی جهانی را در عرصه‌های مختلف به دنیا معرفی، و پس از اسلام امپراتوری فرهنگی خود را جانشین امپراتوری سیاسی کرده، در تاریخ پرشکوه خود، غم و اندوه و شادی‌های فراوانی را تجربه کرده است، روزگاری بزرگ‌ترین امپراتوری جهان را به مدت هزار سال برپا کرده و زمانی در تهاجم اسکندر و تازیان و تاتارها شاهد سوختن بنای جهانی تخت جمشید و شکستن طاق کسری و بیستون و ویرانی شهرها و کشته‌شدن مردمان خود بوده و البته در تمام این دوران با وجود تنهایی و تنهاماندن از جای خود برخاسته و در قامت یک ملت سر برآورده، قدرت ملی خود را به نمایش گذاشته و حیات سبزش را استمرار بخشیده است. تجاوز اخیر رژیم صهیونیستی یک بار دیگر تجلی‌گاه راستی‌آزمایی این تحلیل تاریخی بود که ایران در میان کشورها (از همسایگان و دوستان گرفته تا متحدانی مانند چین و روسیه) چقدر تنهاست و تنها تکیه‌گاهش مردم و همبستگی ملی، میهنی و فداکاری آنهاست که باید به قدرت ملی تبدیل شود. یکی از مهم‌ترین عوامل در بازتولید قدرت ملی، علاوه بر علل پیش‌گفته، به نحوه و چگونگی مدیریت سیاسی و رابطه ملت-حکومت و نقش‌آفرینی و مشارکت مردم در نظام سیاسی و اراده امور کشور بازمی‌گردد. اینک و پس از دوران جنگ تحمیلی ۱۲روزه فرصتی تاریخی پدید آمده که با ارتقای وحدت ملی به قدرت ملی، ضمن ایجاد توانایی بازدارندگی تجاوز احتمالی دشمن، پشتوانه لازم برای دیپلماسی باکیفیت و موفق و مذاکره و تعامل با قدرت‌های جهانی به‌ویژه آمریکا را فراهم کنیم. برای تحقق این منظور و با تأکید بر این نکته که پیش‌نیاز اقتدار و قدرت ملی، کسب اعتماد و باور مردم درباره رفتار و عملکرد دولت است، یادآور می‌شویم: بازتولید قدرت ملی مستلزم مشارکت‌دادن مردم در قدرت است.

بدون‌تردید بازتولید قدرت ملی زمانی رنگ واقعیت به خود می‌گیرد که همان‌گونه که همبستگی و انسجام ملی ایرانیان در تجاوز اخیر دشمن عملا به اثبات رسیده و نقش ممتاز خود را ایفا کرد، اقدامات بایسته از سوی نظام حکمرانی هم، قرین اقدام و عمل باشد، بازپس‌گیری لایحه فضای مجازی دولت از مجلس و شنیده‌شدن صدای مردم از سوی قوه مجریه نشانه و الگویی روشن و عملی در جلوگیری از آسیب‌رسیدن به اتحاد ملی بود که تسری آن به دیگر قوا و نهادهای حاکمیتی و به‌ویژه رسانه ملی می‌تواند فرایند بازتولید قدرت ملی را سرعت بخشیده و نگاه جهانیان و به‌ویژه آمریکا و اروپا و همسایگان به ایران و ایرانیان را تغییر داده و موجد اعتبار جدیدی برای ایران شود. پرواضح است که مهم‌ترین عامل در پیشگیری از اجرای طرح و نقشه‌های شومی که با بهار عربی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا آغاز و اینک ایران را هدف قرار داده، تکیه بر قدرت ملی و بیکران مردم است.

ایران امروز در مواجهه با دو نبرد دشوار و بزرگ قرار دارد. تهاجم و تجاوز دشمن خارجی و مشکلات عدیده داخلی و بحران‌هایی مانند ناترازی در انرژی، کمبود آب، تحریم و تورم و... دولت برای پیروزی و غلبه بر این دو عرصه نیازمند همراهی ملت است، ایران نیرومند با چنین قدرت ملی شکل می‌گیرد و تحقق این امر مستلزم نگاهی نو از سوی حکمرانی کشور و جلب اعتماد مردم از طریق اقدامات و الزامات و اصلاحات عملی و صادقانه و خردمندانه است. ظرفیت و توان ملی در شرایط فعلی ایران و البته در همه دوران‌ها باید در راستای دورساختن و ناامیدکردن دشمن از تجاوز به خاک وطن و فائق‌آمدن بر بحران‌های پیش‌روی کشور بهره‌برداری شود. بازتولید قدرت ملی یک ضرورت و نیاز فوری ایران برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و امنیت ملی و تأمین و پاسداری از حقوق تامّه ملت است که می‌تواند با تصمیمات و اراده سیاسی و شجاعانه مسئولان کشور تحقق یابد.

یادداشت

سردرگمی مدیریتی و لایحه مقابله با محتوای خلاف واقع

احسان هوشمند

بالاخره پس از چند روز اعتراض به ارسال لایحه مقابله با محتوای خلاف واقع توسط دولت به مجلس، دولت رسما خواستار استرداد لایحه شد. آن‌گونه که معاونت حقوقی رئیس‌جمهور گفته است، لایحه مقابله با محتوای خلاف واقع در فضای مجازی بنا بر الزام مندرج در مصوبه سال ۱۳۹۹ شورای عالی فضای مجازی، توسط قوه قضائیه در مهرماه ۱۴۰۲ تهیه شده و به‌عنوان لایحه قضائی به دولت ارسال شده و پس از ارسال این لایحه به دولت، بررسی لایحه در دولت از دی‌ماه ۱۴۰۳ آغاز شده است. بنابراین انتساب آن به شرایط جنگی و قانون‌گذاری احساسی صحیح نیست. معاونت حقوقی در ادامه توضیح داده در نهایت متن کنونی لایحه با تعدیل و اصلاحات برخی از موارد مهم آن، در دولت تصویب و سپس به مجلس ارسال شده است. در این نوشته بررسی محتوای لایحه و نسبت آن با حقوق و آزادی‌های شهروندان و آسیب‌های احتمالی و نقصان آن لایحه مورد توجه نیست، بلکه فرایندها، روش‌ها و ساختار حکمرانی دولت مرکز توجه انتقادی قرار می‌گیرد. آنچه درباره لایحه مقابله با محتوای خلاف واقع روی داد، نشانی از روش‌های مدیریتی کشور در خود دارد. لایحه‌ای از قوه قضائیه به دولت ارسال می‌شود و به دلیل اهمیت موضوع برای بخشی از افکار عمومی به‌ویژه اهالی رسانه و جریان‌های سیاسی، گفت‌وگو و مجادله بر سر محتوای آن بالا می‌گیرد و در نهایت دولت به‌طور رسمی درخواست استرداد لایحه را به مجلس ارسال می‌کند. در این میانه، گروهی ازجمله حامیان دولت و اصلاح‌طلبان، استرداد لایحه و برگشتن از اشتباه را نه یک ضعف، بلکه نشانه فضیلت و قدرت ارزیابی کرده و جریان مقابل نیز حملات خود را تشدید و تأکید کرده است رئیس‌جمهور نباید تا این حد نسبت به تصمیمات خود متزلزل باشد و با سروصدای چهار چهره سیاسی که اتفاقا خودشان نسبت به نشر اخبار خلاف واقع در فضای مجازی اقدام می‌کنند، از لوایح عقب‌نشینی کند. اما آنچه در میان این جاروجنجال و غوغای رسانه‌ای و سیاسی مغفول ماند، فرایندهایی است که برای ارسال چنین لوایحی توسط دولت پشت سر گذاشته می‌شوند. برای روشن‌شدن موضوع، نکاتی را متذکر می‌شوم:

۱. همان‌گونه که توضیحات معاونت حقوقی رئیس‌جمهور و مستندات قانونی نشان می‌دهد، ارسال یک لایحه به مجلس پس از طی مراحلی صورت می‌گیرد. چند هزار نفر نیرو در ساختار دولت و نهادهایی که مستقیما زیر نظر دولت و رئیس‌جمهور و وزرا فعالیت می‌کنند، اقدامات کارشناسی و اداری متنوعی را طراحی و پیگیری می‌کنند تا یک لایحه به صحن دولت برسد و در نهایت در دولت تصویب و به مجلس ارسال شود. درباره این لایحه، به‌جز قوه قضائیه و شورای عالی فضای مجازی که بخشی از اعضای آن از اعضای دولت هستند، چنین لوایحی به دبیر کمیسیون مربوطه در دولت ارجاع داده شده و پس از بررسی کارشناسی توسط کمیسیون مربوطه، در اختیار اعضای کمیسیون دولت قرار می‌گیرد و در آن نهاد حقوقی بررسی‌های کارشناسی صورت می‌گیرد. وزارتخانه‌های مرتبط با موضوع ازجمله اعضای کمیسیون‌های مربوطه هستند. در این زمینه، وزارت ارتباطات و وزارت ارشاد و معاونت حقوقی و دیگر نهادهای دولتی مرتبط با موضوع، در جلسه یا جلساتی، ضمن استفاده از نظرات کارشناسی دستگاه‌های زیرمجموعه و حتی نهادها و اشخاص حقوقی و حقیقی ذی‌نفع، به بررسی ابعاد مختلف موضوع پرداخته و پس از تصویب به دبیرخانه دولت تقدیم و پس از بررسی در دبیرخانه دولت، به هیئت دولت ارسال می‌شود و قاعدتا اعضای دولت هم باید از قبل درباره لایحه با آگاهی و اطلاع کامل اظهارنظر کنند و پس از بررسی در صحن هیئت دولت، در نهایت رأی‌گیری شود و در مرحله بعد دفتر رئیس‌جمهور پس از بازبینی متن لایحه، آن را برای امضا تقدیم رئیس‌جمهوری کرده تا پس از بررسی و امضای رئیس قوه اجرائی، به مجلس ارسال شود. به عبارت دیگر، نهادها و سازمان‌های زیرمجموعه دولت و وزارتخانه‌های ذی‌نفع در موضوع، با هزاران نفر کارمند و کارشناس و نهادهای مطالعاتی و حقوقی برای این تأسیس شده و بودجه‌های فراوانی از کشور صرف فعالیت آنها می‌شود که چنین موضوعات بااهمیتی را با نگاهی کارشناسی، عمیق و چندوجهی مورد بررسی قرار دهند. آیا نباید درباره این لایحه، تمام نهادها و وزارتخانه‌ها و سازمان‌هایی که در دولت وظیفه چنین مقدماتی را بر عهده داشته‌اند، مورد ارزیابی، مؤاخذه، نقادی و حتی برخورد قانونی قرار گیرند؟

ادامه در صفحه ۱۱

برگزیده‌ها

استعفا از اقامه نماز جمعه و حذف از ریاست ستاد امر به معروف پس از ماه‌ها حاشیه‌های مالی خانواده

خانه‌نشینی صدیقی

۳

«شرق» از افزایش طلاق در سالمندان گزارش می‌دهد؛ جدایی‌هایی برخاسته از بحران معیشت و فرسایش عاطفی

جدایی خاکستری

۱۰

بررسی دیدگاه‌های کارشناسان در پنل توسعه‌گران پساجنگ دانشگاه تهران

راهکارهای برون‌رفت صنعت ساختمان از بحران‌های پساجنگ

۴

یادداشت

نعل وارونه غوغاسالاران

پاسخ به مخالفان ناظر انتخابی

پژمان جوزی
رئیس انجمن صنعت ساختمان

سخنان این‌جانب و جناب آقای شام‌اسبی، رئیس محترم سازمان نظام مهندسی تهران، صدای برخی از افراد را که منافعشان در خطر است، به آسمان بلند کرده است. چاره‌ای هم نیست؛ مبارزه با فساد درد و خون‌ریزی و حتما داد و فریاد و تجمع و... به همراه دارد. عده‌ای که منافعشان در خطر است با نعل وارونه‌زدن خلط مبحث می‌کنند تا آب را گل‌آلود کنند و در این میان ماهی‌های درشت‌تری بگیرند. انجمن صنعت ساختمان مدت‌هاست که منتقد برخی از روش‌های غلط سازمان نظام مهندسی است. دقت بفرمایید من و اعضای محترم انجمن صنعت ساختمان مخالف سازمان نظام مهندسی ساختمان و نظارت نیستیم، بلکه منتقد برخی از مشی‌های غلط آن هستیم که راه را برای امضاهای طلایی و فساد هموار می‌کند. کشور در برهه حساسی قرار دارد؛ ناترازی انرژی، موضوع انتقال پایتخت و توجه جدی به ساخت‌وسازهایی که باعث درآمدزایی از گردشگری می‌شود، در رأس اولویت‌های دولت است. نمی‌توان در این شرایط خطیر سرمایه، سازندگان و سرمایه‌گذاران را به امضاهای طلایی گره زد و کارها را معطل درآمدزایی یک سازمان بدون نظارت کرد. این روشی که سازمان نظام مهندسی ساختمان در پیش گرفته در تضاد با مشی دولت برای فراهم‌آوردن فضای مناسب برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی است. این فراخوان‌ها و فحاشی‌ها و پرونده‌سازی‌ها به بهانه نظارت موجب فرار سرمایه و سرمایه‌گذار از این عرصه و ورود به عرصه‌های دیگر خواهد شد. برخی ندانسته در حال برافروختن آتشی هستند که دودش به چشم خودشان خواهد رفت. بگذریم، در این مقال به چند مورد پاسخ خواهم داد تا در فرصتی مغتنم به همه آنها بپردازیم.

۱- برخی از غوغاسالاران سخنان این‌جانب را توهین به جامعه مهندسی کشور قلمداد کرده‌اند. در حالی که من مهندسم و در یکی از معتبرترین دانشگاه‌های تهران (دانشگاه صنعتی امیرکبیر) در رشته مهندسی راه و ساختمان تحصیل کرده‌ام و به مهندس‌بودن خود افتخار می‌کنم. از ابتدا هم اهل برگه‌فروشی نبودم بلکه در شرکت «کیسون» مشغول به خدمت شدم و از همان جوانی در کوه‌ها و بیابان‌های این کشور به ساخت سد و راه مشغول بودم و پس از کسب تجربیات لازم بود که شرکت شخصی دایر کردم؛ بنابراین توهین به جامعه مهندسین از سوی این‌جانب صرفا نه‌تنها ادعای واهی، بلکه در راستای غوغاسالاری است.

ادامه در صفحه ۵